

معرفی الگویی جهت ارزیابی کیفیت ترجمه و توصیف دو شیوه اظهار نظر در کلاس‌های آموزش ترجمه

علی خزاعی فرید^۱*

الناز پاکار^۲

چکیده

یکی از نکاتی که در آموزش ترجمه اهمیت بسزایی دارد کیفیت اظهار نظر یا واکنش استاد نسبت به ترجمه دانشجویان است. در این مقاله برآنیم که دو شیوه عمده اظهار نظر در کلاس‌های آموزش ترجمه یعنی اظهار نظر ساده و اظهار نظر تفصیلی را توضیح دهیم و سپس بر اساس خطاهای عمده‌ای که در ترجمه دانشجویان در کلاس‌های ترجمه مشاهده کرده‌ایم، الگویی برای ارزیابی کیفیت ترجمه ارائه کنیم. به اعتقاد ما اگر استاد ترجمه با این خطاها آشنا باشد، می‌تواند با اظهار نظرهای تفصیلی، ترجمه را بهتر به دانشجویان آموزش دهد. به منظور آشنایی کمی و کیفی با اظهار نظرهای ارائه شده از سوی استادان ترجمه و نوع خطاهایی که در کلاس‌های ترجمه اتفاق می‌افتد، تحقیق میدانی انجام دادیم. داده‌ها از ۳۰۰ دانشجوی مقطع کارشناسی رشته زبان انگلیسی (گرایش‌های مترجمی و ادبیات) از ۱۰ کلاس ترجمه در دانشگاه‌های فردوسی، امام رضا (ع) و خیام جمع‌آوری شده‌اند. همچنین اظهار نظر استادان ترجمه (۷ استاد) نیز جمع‌آوری و ثبت شده است. نتایج حاصل به صورت جدولی ارائه و تحلیل شده‌اند. علاوه بر این، نمونه‌هایی از اظهار نظرهای ارائه شده در کلاس ترجمه نیز ذکر شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: اظهار نظر ساده، اظهار نظر تفصیلی، ارزیابی کیفیت ترجمه، آموزش ترجمه

۱. مقدمه

آموزش ترجمه هرچند امر نوظهوری نیست اما به تازگی در مباحث مربوط به مطالعات ترجمه بسیار مورد توجه محققان این رشته واقع شده است. یکی از نکاتی که در آموزش ترجمه اهمیت بسزایی دارد اظهار نظر یا واکنش (feedback) استاد نسبت به ترجمه دانشجویان است. در این مقاله فرض بر این است که استاد ترجمه می‌تواند با آگاهی از نوع خطاهای دانشجویان ترجمه و ارائه اظهار نظر تفصیلی راجع به ترجمه نادرست دانشجویان ترجمه را به شیوه‌ای درست به آن‌ها آموزش دهد. لازمه این امر آن است که استاد ترجمه با مسایل مرتبط با ارزیابی کیفیت ترجمه و نوع خطاهای ترجمه آشنا باشد. موضوع انواع اظهار نظرها و تأثیر آن‌ها در آموزش زبان دوم از سوی محققان بارها مورد تحقیق قرار گرفته است ولی به نظر می‌رسد که در حوزه مطالعات ترجمه به این موضوع توجه لازم مبذول نشده است. لذا انجام تحقیقی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسید.

در این مقاله دو نوع از مهم‌ترین اظهار نظرهای معلمان ترجمه را که عبارت است از اظهار نظر ساده و اظهار نظر تفصیلی مورد بحث قرار داده و سپس بر اساس خطاهای عمده‌ای که در ترجمه دانشجویان شرکت‌کننده در ده کلاس ترجمه مشاهده نموده‌ایم روشی برای ارزیابی کیفیت ترجمه پیشنهاد کرده‌ایم. در پایان چند نمونه از اظهار نظرهای تفصیلی برخی از استادان ترجمه در مورد ترجمه دانشجویان را آورده‌ایم. از تحقیق حاضر چنین برمی‌آید که آشنایی استادان ترجمه با نوع خطاهای دانشجویان و اظهار نظرهای تفصیلی آن‌ها کمک مؤثری به روند ترجمه خواهد کرد.

۲. پیشینه بحث

۲-۱. انواع اظهار نظرها در آموزش

در امر آموزش زبان اظهار نظر به پاسخ کلامی و یا غیرکلامی استاد به دانشجو اطلاق می‌شود: این اظهار نظر بر درک دانشجو از موضوع مورد بحث تأثیر می‌گذارد (سلینگر، ۱۳۸۳: ۲۵۸). درباره مفهوم اظهار نظر، نظریه‌های متعددی ارائه شده که آن‌ها را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد: لیستر و رانتا (۱۹۹۷)؛ باتلر و واین (۱۹۹۹)؛ توماس (۱۹۹۱) و سلینگر (۱۹۸۳).

بر اساس مطالعات انجام شده توسط لیستر و رانتا (۱۹۹۷) انواع اظهار نظر عبارتند از: تصحیح صریح (explicit correction)؛ بازگویی (recast)؛ درخواست توضیح (clarification request)؛ اظهار نظر فرا زبانی (metalinguistic feedback)؛ پرسش و پاسخ (elicitation)؛ تکرار (repetition).

باتلر و واین (۱۹۹۹) انواع اظهار نظر را به دو نوع کلی اظهار نظر ساده (simple feedback) و اظهار نظر تفصیلی (elaborative feedback) خلاصه کرده‌اند.

تحقیق توماس (۱۹۹۱) نیز منجر به شناخت نوعی اظهار نظر تحت عنوان اظهار نظر اسنادی (attributional feedback) گردیده است، اظهار نظری که در آن به دو چیز استناد می‌شود: «تلاش» یا «توانایی». سلینگر (۱۹۸۳) اظهار نظر مثبت (positive feedback) را معرفی کرده است که از دو مؤلفه فرازبانی (paralinguistic) و زبانی (linguistic) تشکیل

می‌شود. همان گونه که مشاهده می‌گردد دسته‌بندی‌های انجام گرفته، هر یک از زاویه خاصی به پدیده اظهار نظر توجه کرده است که در نوع خود می‌تواند راهگشا باشد.

باید اذعان کرد که متأسفانه در حوزه مطالعات ترجمه در مورد نوع اظهار نظرهایی که استادان در کلاس‌های ترجمه به فراگیران عرضه می‌کنند تا به حال پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. هاشمی و پاکار (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان واکاوی اظهار نظرها و اظهار نظرهای اساتید ترجمه بر ترجمه دانشجویان در چارچوب سه نظریه آشوب، سایبرنتیک و اسناد، چهار نوع از مهمترین اظهار نظرهایی را که در ده کلاس ترجمه مشاهده کرده بودند، معرفی کرده‌اند. این چهار نوع عبارتند از: اظهار نظر ساده، اظهار نظر تفصیلی، اظهار نظر اسنادی و اظهار نظر مثبت. در اظهار نظر ساده استاد فقط درباره درستی یا نادرستی پاسخ فراگیران اظهار نظر می‌کند و عموماً پاسخ صحیح را ارائه می‌دهد به امید این که فراگیر آن را به ذهن بسپارد (به آن اظهار نظر «تصحیح‌کننده» نیز می‌گویند)؛ اظهار نظر تفصیلی به صورت راهنمایی از سوی استاد به فراگیران ارائه می‌شود تا آنان خود به پاسخ صحیح دست یابند و ممکن است سرانجام خود استاد نیز پاسخ صحیح پیشنهادی خود را ارائه دهد (به آن اظهار نظر تفسیری نیز می‌گویند) (باتلر و واین، ۱۹۹۹)؛ اظهار نظر اسنادی، اظهار نظری است که به یکی از دو مؤلفه «تلاش» یا «توانایی» استناد می‌کند. مورد اول به میزان تلاش و پشتکار فراگیر اشاره می‌کند و مورد دوم به میزان توانایی فرد در انجام کاری.

۲-۲. الگوهای ارزیابی کیفیت ترجمه

کیفیت ترجمه چه در گذشته چه امروز همواره مورد ارزیابی قرار گرفته است و برای این منظور الگوهای مختلفی نیز پیشنهاد شده است. به طور کلی الگوهای ارائه شده در مورد سنجش کیفیت ترجمه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) الگوهای کمی (quantitative models) ب) الگوهای کیفی (qualitative models) (قنسولی، ۲۰۱۰). در این بخش به اختصار به این الگوها خواهیم پرداخت.

الف. الگوهای کمی: کیفیت ترجمه در این الگوها با روش‌های کمی سنجیده می‌شود. این الگوها را که بیشتر در محیط‌های آموزشی کاربرد دارند می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: الگوهای مبتنی بر تفسیر خطا (error annotation models)؛ الگوهای سنجش مثبت (positive evaluation models):

۱. الگوهای مبتنی بر تفسیر خطا: این الگو متداول‌ترین الگویی است که در کلاس‌های آموزش ترجمه استفاده می‌شود. در این الگو بر اساس تعداد خطاهای دانشجوی، کیفیت ترجمه او سنجیده شده و به او نمره می‌دهند. به گفته دارویش (۱۹۹۵) در این الگوها نمره‌دادن بر اساس مطابقت متن ترجمه با متن مبدأ است که بیشتر به ساختارهای خرد متن؛ مثلاً به سطح کلمه و جمله توجه دارد. طرفداران این الگوها معتقدند که سنجش دقیق خطاها موجب می‌شود که ترجمه خوب و بد از هم تفکیک داده شود. به نظر این گروه ترجمه خوب ترجمه‌ای است که خطاهای کمتری داشته باشد (شیافینو و زیرو، ۲۰۰۵). نکته قابل ذکر این است که تاکنون تلاش‌های تحقیقاتی بسیاری برای تقسیم‌بندی خطاهای ترجمه و تعیین عوامل درگیر در آن‌ها صورت گرفته است. به عنوان مثال، می‌توان از گواداک (۱۹۸۱) که براساس معیارهای نسبتاً کاملی، خطاهای ترجمه را به ۶۷۵ مورد تقسیم نموده و از پیم (۱۹۹۲) که

خطاهای ترجمه را به ۲ گروه تقسیم کرده است نام برد. براساس تقسیم‌بندی پیم دو نوع خطا قابل شناسایی است: خطاهای آشکار (دوگانه) (binary errors) و خطاهای غیر دوگانه (تفسیر پذیر) (non-binary error). در خطاهای نوع اول ما فقط با دوگونه پاسخ مواجه هستیم: پاسخ درست و پاسخ نادرست و دانشجو پاسخ نادرست را انتخاب می‌کند. این خطاها که ممکن است در سطح واژه و یا دستور اتفاق بیافتد، آنقدر آشکار است که نیاز به تفسیر ندارد و استاد فقط می‌تواند غلط بودن آن‌ها را متذکر شود. برعکس خطاهای نوع اول، خطاهای تفسیر پذیر به دو صورت نمود می‌یابد: گاه ترجمه نادرست است و استاد این نادرستی را توضیح می‌دهد و گاه ترجمه درست است اما ترجمه یا ترجمه‌های درست‌تر و بهتری هم وجود دارد.

۲. الگوهای سنجش مثبت: این الگوها به دنبال یافتن خطاهای ترجمه نیست، بلکه سنجش کیفیت و نمره‌دهی ترجمه بر اساس راه‌کارهای مثبتی است که در ترجمه به کار برده شده‌اند (بستین، ۲۰۰۰). بستین تأکید دارد که «باید به دانشجویان آموخت که چگونه کاری را درست انجام دهند، نه این که به خاطر خطاهایشان آن‌ها را تنبیه کرد» (۲۰۰۰: ۲۳۶).

ب. الگوهای کیفی: جولیان هاوس در مقاله معروف خود با عنوان «ارزیابی کیفیت ترجمه» (۲۰۰۱)، الگوهای کیفی را بر اساس سه تعریف متفاوت از معنی به سه دسته: ذهن گرایانه (mentalistic approaches)، پاسخ محور (response-based approaches) و الگوهای متن / گفتمان مبنا (text/discourse-based approaches) تقسیم می‌کند و سپس الگوی نقش‌گرا- کاربرد شناختی (Housian functional-pragmatic model) خود را ارائه می‌دهد که خلاصه آن چنین است:

۱. رویکردهای ذهن‌گرایانه: در این رویکردها که مبتنی بر درک و تفسیر است، اعتقاد بر این است که معنا در ذهن کاربران زبان وجود دارد و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. طرفداران این الگو اعتقاد دارند که کیفیت ترجمه به مترجم و دانش و توانش هنری او بستگی دارد و معمولاً کیفیت ترجمه را به صورتی استحسانی می‌سنجند و آن را با کلمات مبهمی چون خوب و بد توصیف می‌کنند و به طور کلی اعتقاد دارند که هیچ‌گاه ترجمه به زیبایی متن اصلی نیست و زیبایی متن اصلی در ترجمه از بین می‌رود (هاوس، ۲۰۰۱).

۲. رویکردهای پاسخ محور: در این الگوها کیفیت ترجمه بر اساس ارتباطی که با خواننده ایجاد می‌کند و تأثیری که بر روی او می‌گذارد ارزیابی می‌شود و هدف اصلی، انتخاب معادل پویا برای کلمات متن مبدأ است (رودریگز، ۱۹۹۶). به اعتقاد نایدا (۱۹۶۴) که این الگو را پیشنهاد کرده است، واکنش خواننده نسبت به متن ترجمه شده معیاری برای ارزیابی کیفیت ترجمه به دست می‌دهد و ترجمه‌ای خوب است که واکنش‌های مشابه در خواننده متن مبدأ و مقصد ایجاد کند. پیروان الگوی هدف مدار (اسکوپوس) نیز معتقدند که آن چه اهمیت دارد منظور ترجمه است. در این الگو که ورمیر در سال ۱۹۷۸ مطرح کرد کیفیت ترجمه بر اساس کارکردی که قرار است متن ترجمه شده در فرهنگ مقصد داشته باشد سنجیده می‌شود. این کارکرد را مترجم یا کسی که ترجمه را سفارش داده تعیین می‌کند.

۳. الگوهای متن / گفتمان مبنا: این الگوها در بردارنده رویکردهای مختلف از جمله رویکرد مبتنی بر ادبیات (یعنی سنجش ترجمه براساس شکل و کارکرد آن در نظام فرهنگ و ادبیات مقصد) و رویکرد پسامدرن و

ساختار شکنانه (یعنی سنجش ترجمه با هدف یافتن عناصر اجتماعی - سیاسی که در متن ترجمه نمود یافته‌اند) و رویکردهای زبان‌شناختی است. در رویکرد زبان‌شناختی، میزان انتقال عناصر زبانی از متن مبدأ به متن مقصد در سطح واژگانی، نحوی، معنایی، زیباشناختی و کاربردشناختی مقایسه می‌شوند. الگوهای پیشنهادی کتفورد (۱۹۶۵)، رایس (۱۹۷۱؛ ۱۹۷۸)، ویلس (۱۹۷۴) و کولر (۱۹۷۹) در این دسته قرار می‌گیرند. این نظریه پردازان اعتقاد دارند ارزیابی ترجمه باید در سطوح مختلف زبانی انجام شود.

۴. الگوی نقش‌گرا - کاربرد شناختی جولیان هاوس: هاوس خود الگویی نقش‌گرا - کاربرد شناختی برای ارزیابی کیفیت ترجمه پیشنهاد می‌کند (۱۹۹۷). در این الگو که بر اساس نظریه نقش‌گرای هالیدی و نظریات مکتب پراگ و مفاهیمی همچون کنش گفتاری (speech act)، کاربرد شناسی و تحلیل کلام بنا شده است، متن ترجمه با متن اصلی در سه سطح زبان/متن، سیاق سخن (register) و گونه سنجیده می‌شود. سیاق سخن خود شامل عناصر سه گانه موضوع سخن (field)، نوع زبان (mode)، و رابطه اجتماعی میان گوینده و شنونده (tenor) است. اساس این نظریه را مفهوم معادل (equivalence) تشکیل می‌دهد که در آن معادل فقط در سطح واژگان و نحو یا در سطح عناصر صوری مطرح نمی‌شود بلکه مبتنی بر مفهوم معنی نیز هست.

جمال الکنایی (۲۰۰۰) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان « ارزیابی کیفیت ترجمه: راهکارها، پارامترها و روندها » الگویی برای ارزیابی ترجمه معرفی کرده است. وی اعتقاد دارد که ترجمه را باید در هفت سطح ارزیابی کرد که عبارتند از: ۱. نوع متن ۲. همخوانی صوری ۳. انسجام کلامی ۴. انسجام زبانی ۵. تعادل پویا ۶. ویژگی‌های واژگانی ۷. مطابقت دستوری/ نحوی.

۳. روش گردآوری داده‌ها

برای بررسی کم و کیف اظهار نظر ارائه شده از سوی استادان و مطالعه انواع خطاهای دانشجویان در کلاس‌های ترجمه، تحقیق میدانی انجام دادیم. افرادی که در این تحقیق شرکت کردند عبارتند از هفت استاد ترجمه، سیصد دانشجوی مقطع کارشناسی رشته زبان انگلیسی (گرایش‌های مترجمی و ادبیات) از دانشگاه‌های فردوسی، امام رضا (ع) و خیام. داده‌ها از ده کلاس آموزش ترجمه جمع‌آوری گردید و اظهار نظرهای استادان و خطاهای ترجمه دانشجویان مشاهده و ثبت گردید. به این خاطر که استادان در شیوه آموزش خود تغییری ندهند و داده‌های پژوهش اعتبار داشته باشد، موضوع پژوهش برای هیچ یک از آنها توضیح داده نشد. از هفت استادی که کلاس‌های آنها مورد بازدید قرار گرفت، سه تن سابقه کاری بیش از بیست سال، و چهار تن سابقه کاری بین دو تا هفت سال داشتند. از این اساتید فقط ۲ تن دارای مدرک کارشناسی ارشد مترجمی بودند.

۴- بحث

۴-۱. معرفی الگویی جهت ارزیابی کیفیت ترجمه در کلاس‌های ترجمه

استادان ترجمه برای این که بتوانند اظهار نظر صحیحی نسبت به ترجمه دانشجویان ارائه بدهند، باید در وهله اول با مسایل مرتبط با ارزیابی کیفیت ترجمه آشنا شوند و بدانند که خطاهای ترجمه از چه سنجی هستند و در چه سطوح زبانی رخ می‌دهند. نکته شایان توجه در این رابطه این است که محققان آموزش زبان بین «خطا» و «اشتباه» تمایز قایل شده‌اند. اشتباه ناشی از عوامل مختلفی چون بی‌توجهی، بی‌احتیاطی و یا اشتباهات تلفظی چون لکنت زبان است که خود فرد قادر است آن را تصحیح کند، اما خطا روشمند است. بدین معنا که چندین بار اتفاق می‌افتد زیرا دانشجویان به آن واقف نیست و لذا قادر نخواهد بود که آن را تشخیص دهد و تصحیح کند (بران، ۱۹۹۴). پیم (۱۹۹۲) معتقد است که در ترجمه، تقسیم‌بندی خطاها کار دشواری است زیرا خطاها از عوامل مختلف ناشی می‌شود. از جمله این عوامل درک نادرست متن، خوانش نادرست یا متفاوت آن و یا حتی کمبود وقت است. همچنین ممکن است خطاها در سه سطح مختلف زبانی، کاربرد شناختی و فرهنگی رخ دهد.

در این جا قصد داریم الگویی برای ارزیابی کیفیت ترجمه ارائه دهیم که مناسب کلاس‌های ترجمه باشد. هدف ما این است که این الگو بتواند خطاهای عمده دانشجویان ترجمه را توصیف کند. به اعتقاد ما استادان ترجمه می‌توانند از این الگو استفاده کرده انواع خطاها را بشناسند و در اظهار نظرهای تفصیلی که در تصحیح خطاهای ترجمه به دانشجویان خود ارائه می‌کنند، ترجمه را بهتر و علمی‌تر به آن‌ها آموزش دهند. این الگوی توصیفی براساس خطاهای عمده‌ای که دانشجویان این ۱۰ کلاس در ترجمه مرتکب شده‌اند پایه‌ریزی شده است. از نظر ما، وجه تمایز این الگو با الگوهای دیگر در این است که این الگو علاوه بر خطاهای خرد، به سطح کلان نیز توجه دارد و با در نظر گرفتن خطاهای عمده، معیار عینی‌تر و قابل قبولی را برای ارزیابی کیفیت ترجمه به دست می‌دهد. در این الگو خطاهای ترجمه به دو سطح خرد و کلان تقسیم می‌شود: سطح خرد ناظر بر بُعد زبان‌شناختی متن است که در آن خطاها را می‌توان به ۴ دسته تقسیم کرد: خطاهای واژگانی، خطاهای نحوی، خطاهای معنایی و خطاهای کاربرد شناختی. در ذیل هر یک را به طور اجمال بررسی خواهیم کرد:

۴-۱-۱. خطاهای واژگانی

در این نوع خطا معادل انتخاب شده از حیث معنی نادرست است؛ یا معادل انتخاب شده از حیث معنایی درست اما از حیث کاربردی نامناسب است؛ یا معادل انتخاب شده معنی اولیه کلمه متن مبدأ است نه یکی از معانی ثانویه کلمه؛ یا کلمه انتخاب شده با کلمه دیگری که با آن به کار رفته در زبان فارسی همایی ندارد؛ یا کلمه انتخاب شده مطابق قواعد واژگانی زبان فارسی به کار نرفته است؛ یا کلمه انتخاب شده نسبت به اصل کلمه در متن مبدأ از شمول خاص یا عام برخوردار است؛ یا کلمه انتخاب شده نسبت به اصل کلمه در متن مبدأ تأثیر احساسی متفاوتی به خواننده منتقل می‌کند.

۴-۱-۲. خطاهای نحوی

در این نوع خطا ساختار جمله اصلی بی‌دلیل عیناً به ترجمه منتقل شده است؛ ساختار جمله اصلی بی‌دلیل به ترجمه منتقل نشده است؛ ترتیب کلمات در ترجمه شبیه ترتیب کلمات در متن اصلی و مغایر با شیوه مانوس فارسی است؛ ساختار زمانی جمله رعایت نشده است؛ نقش کلمه اشتباه ترجمه شده است.

۴-۱-۳. خطاهای معنایی

در این نوع خطا مترجم کلمه زبان مادری خود را با ویژگی‌های معنایی کلمه نظیر یا معادل آن در زبان اصلی به کار می‌برد، غافل از اینکه دو کلمه در دو زبان مبدأ و مقصد اگر چه نظیر یکدیگرند و در فرهنگ لغت دو زبانه هم به عنوان معادل یکدیگر آمده‌اند اما از حیث ویژگی‌های معنایی کاملاً شبیه به هم نیستند. برای مثال دو فعل توقع داشتن و expect اگر چه ویژگی‌های معنایی مشترکی دارند اما نمی‌توان همه جا آن دو را معادل هم به کار برد.

۴-۱-۴. خطاهای کاربردشناختی

کاربردشناختی شاخه‌ای از زبان‌شناسی و به تعبیری دیگر شاخه‌ای از معنی‌شناسی است که با مواردی خاص از معنی -آن جا که مقصود گوینده به طور مستقیم بیان نشده است- سر و کار دارد. خطای کاربردشناختی وقتی اتفاق می‌افتد که مترجم متوجه غیرمستقیم بودن مقصود گوینده نشود و آن را به صورت مستقیم یا لفظ به لفظ ترجمه کند. البته ترجمه مستقیم و لفظ به لفظ مورد نظر نویسنده گاه مقصود او را می‌رساند چون در زبان مقصد هم آن شیوه غیرمستقیم برای ادای مقصود متداول است اما گاه چنین نیست و مترجم مجبور است منظور را ترجمه کند نه لفظ نویسنده را.

دسته دیگری از خطاهای ترجمه در سطح کلان جای می‌گیرند و اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند ولی در عمل به آن‌ها کمتر توجه می‌شود. این خطاها عبارتند از:

۴-۱-۵. خطای سبکی

این نوع خطا از عدم مطابقت نوع متن اصلی با نوع متن ترجمه و یا عدم مطابقت سبک متن اصلی با سبک متن ترجمه ناشی می‌گردد. به عبارت دیگر مقصود از خطای سبکی این است که سبک متن ترجمه شده (یعنی رسمی/ غیر رسمی؛ ادبی/ غیر ادبی؛ شوخ‌طبعانه/ جدی؛ محاوره/ غیر محاورانه؛ و غیره) معادل سبک متن اصلی نیست (خزاعی فرید، ۱۳۸۸).

۴-۱-۶. خطا در انسجام کلامی و انسجام زبانی

در این نوع خطا متن ترجمه شده روان و منسجم نیست. این نوع خطا معمولاً به دلیل وابستگی بیش از حد مترجم به متن اصلی و تسلط نداشتن وی به متن مقصد صورت می‌گیرد.

۴-۲. اظهار نظرهای معلمان ترجمه

براساس مشاهدات میدانی در ۱۰ کلاس آموزش عملی ترجمه، اظهار نظرهایی را که استادان ترجمه نسبت به ترجمه دانشجویان می‌کنند به‌طور کلی می‌توان به دو دسته اظهار نظر ساده و تفصیلی تقسیم کرد. میزان تقریبی هر یک از این نوع اظهار نظرها در داده‌های تحقیق در جدول زیر آورده شده است:

ردیف	انواع اظهار نظرها	میزان اظهار نظرها
۱	اظهار نظرهای ساده	٪۷۵
۲	اظهار نظرهای تفصیلی	٪۲۵

جدول (۱) میزان اظهار نظرها در ۱۰ کلاس آموزش ترجمه

همان‌طور که در جدول آورده شده است غالب اظهار نظرهای استادان نسبت به ترجمه دانشجویان از نوع ساده بوده است. اظهار نظرها به شکل این عبارات ارائه شده است: «خوب است»، «آفرین»، «ترجمه‌ات را می‌پسندم»، «ترجمه‌ات را نمی‌پسندم»، «جالب نوشته‌ای»، «بیشتر روی ترجمه این جمله کار کن»، «درست ترجمه نکرده‌ای»، «جمله‌ات فارسی نیست»، «تحت‌اللفظی ترجمه کردی»، «خیلی آزاد ترجمه کردی» و... . گاه واکنش استادان به تکان دادن سر محدود می‌شد که نشان دهنده تأیید یا مخالفت وی می‌باشد.

در مورد خطاهای دوگانه (پیم، ۱۹۹۲) استاد فقط می‌تواند اظهار نظر ساده کند و نادرستی آن‌ها را متذکر شود و سپس پاسخ صحیح را ذکر کند. منشأ این خطاها نقض قواعد زبان در حوزه‌های واژگان، نحو و معنی است، لذا نمی‌توان در مورد نادرستی آن‌ها بحث کرد زیرا کاملاً بدیهی هستند. مشکل زمانی پیش می‌آید که استاد باید خطایی را توضیح بدهد ولی احتمالاً به دلایلی چون نداشتن دانش کافی در مورد زبان مادری یا خطاهای ترجمه، فقدان دانش نظری درباره ترجمه، بی‌حوصلگی و یا کمبود وقت این کار را انجام نمی‌دهد. برای مثال، در یکی از کلاس‌هایی که بازدید کردیم، استادی به دانشجویی گفت: «ترجمه‌ات خوب است، فقط «ruler» را «حاکم» ترجمه کن نه «پادشاه». استاد توضیح نداد که چرا دانشجو باید به جای پادشاه حاکم بگذارد.

چنان‌که گفته شد، در مواردی که خطای دانشجو قواعد زبان را نقض نکرده، استاد باید توضیح بدهد ولی در این کلاس‌ها در موارد بسیاری دیده شد که استاد بدون ارائه دلیل، بر ترجمه دانشجو صحه می‌گذارد یا آن را رد می‌کند و سپس ترجمه خود را دیکته می‌کند. البته باید اذعان کرد که تجویزگرایی در کلاس‌های آموزش ترجمه امری اجتناب‌ناپذیر است ولی این تجویزگرایی گاه به شکل مذمومی اتفاق می‌افتد به این معنی که استاد ترجمه خود را ترجمه برتر می‌داند و دلیل برتری آن را توضیح نمی‌دهد. در نتیجه دانشجویان در پایان کلاس به متنی می‌رسند که

درست ترجمه شده است اما به خطاهای خود پی نمی‌برند و در نتیجه عملاً در کار ترجمه پیشرفت نمی‌کنند. مشاهدات ما از کلاس‌های ترجمه نشان داد که در کلاس‌هایی که استادان اظهار نظرهای تفصیلی ارائه می‌دهند، بحث و تبادل نظر بین استاد و دانشجو بیشتر صورت می‌گیرد و دانشجویان ترجمه کردن را بهتر یاد می‌گیرند و از کلاس رضایت بیشتری دارند. اما همان طور که در جدول آورده شده است میزان این نوع اظهار نظر در کلاس‌های ترجمه بسیار کم است. استادان کلاس‌هایی که در آن‌ها تبادل نظر بیشتر صورت می‌گرفت، دانش‌آموختگان رشته مطالعات ترجمه بودند. شاید بتوان این گونه توضیح داد که آن‌ها با مسایل مرتبط با ارزیابی کیفیت ترجمه بیشتر آشنا بودند و بهتر هم می‌توانستند در مورد ترجمه دانشجویان اظهار نظر کنند.

از اظهار نظرهای تفصیلی استادان در این ۱۰ کلاس ترجمه چند نمونه را انتخاب کردیم تا نشان دهیم که چگونه استادانی که با خطاهای ترجمه آشنا هستند می‌توانند اظهار نظرهای مناسبی نسبت به ترجمه خواننده شده ارائه کنند و از این طریق ترجمه را به شکل بهتر و مؤثرتری آموزش دهند.

(۱). در یکی از کلاس‌های ترجمه ادبی، دانشجویان و استاد در مورد ترجمه عنوان زیر بحث می‌کردند:

For preventing the children of poor people in Ireland, from being a burden on their parents or country and for making them beneficial to the public

تمام دانشجویان ترجمه خود را با کلمه «برای» آغاز کرده بودند. استاد توضیح داد که در ترجمه یک متن، ابتدا باید بررسی کرد که سبک آن متن چه ویژگی‌هایی دارد؛ با توجه به اینکه متن مورد بحث در قرن هیجدهم میلادی نوشته شده است، شما نیز باید سعی کنید برای ترجمه، زبانی کهنه، ولی البته قابل فهم برای خواننده امروزی پیدا کنید. مثلاً این عنوان را می‌توان براساس پیشنهاد استاد و کمک دانشجویان به صورت زیر ترجمه نمود: در باب اینکه چه کنیم کودکان فقیر ایرلندی سربار پدر و مادرشان نباشند و برای ملت مفید باشند.

در این جا استاد با اظهار نظری تفصیلی تلاش کرد تا به فراگیران آموزش دهد که ترجمه فقط یافتن معنای لغات از فرهنگ لغت و کنار هم نهادن معادل‌ها نیست. همچنین وی به این مطلب اشاره کرد که به کار بردن واژه « در باب» فقط به دلیل کهنه بودن آن نیست بلکه اساساً در متون فارسی قدیم، آوردن عنوان به این سیاق امری متداول بوده است و در عبارات آغازین همه جا از لفظ در باب استفاده می‌شده است. در ترجمه «دن کیشوت» و ترجمه «هاکلبری فین»، محمد قاضی و نجف دریابندری هم از این لفظ به درستی استفاده کرده‌اند.

(۲). در کلاسی دیگر جمله‌ای خوانده شد که هیچ یک از دانشجویان متوجه نشد که یکی از عباراتی که در آن

جمله به کار رفته اصطلاح است و نباید تحت‌اللفظی ترجمه شود:

None of the Police Commissioner's men, even with the best will in the world, have any way of understanding the lives led by the people they swagger about

دو نمونه از ترجمه‌های غلط در ذیل آمده است:

هیچ یک از افراد پلیس، حتی اگر در دنیا بیش از همه دلش بخواهد.

هیچ یک از مأموران پلیس، حتی اگر در این دنیا تمام تلاش خود را بکنند.

استاد توضیح داد که عبارت «with the best will in the world» را فرهنگ‌های لغت در شمار اصطلاحات ثبت کرده‌اند. در نتیجه عبارت in the world به هیچ وجه لفظ به لفظ قابل فهم نیست و صرفاً از باب تأکید به کار می‌رود چنان که فرهنگ لغت Oxford Advanced Learners Dictionary آن را چنین توضیح داده است:

1. even if one makes the greatest effort;
2. even though one would very much like to

استاد همچنین توضیح داد که عموماً وقتی متوجه اصطلاحی نمی‌شویم و آن را تحت اللفظی ترجمه می‌کنیم به تعبیری غیرمنتظره و غیرعادی می‌رسیم. در این موارد عقل سلیم به ما حکم می‌کند که احتمال بدهیم ممکن است اصطلاحی در کار باشد. برای مثال در ترجمه همین جمله فوق عبارت «با بهترین اراده در جهان» در وسط متن، عبارت عجیب و نامفهومی است و نمی‌توان پذیرفت که نویسنده چنین عبارتی را به کار گرفته باشد. باید توجه داشت که بر اساس الگوی ارائه شده در این پژوهش این خطا در سطح خرد قرار می‌گیرد.

ترجمه پیشنهادی استاد: هیچ یک از مأموران پلیس، علی‌رغم نیت خیرخواهانه آن‌ها، ...

(۳). در کلاس ترجمه متون اقتصادی، اکثر دانشجویان جمله زیر را اشتباه ترجمه کرده بودند:

It ... is a boundary between the combinations of education and cars that can be produced and those that cannot, given the available technology and factors of production.

چند نمونه از ترجمه‌های نادرست:

(الف) ... این‌ها عواملی هستند که نمی‌توانند تکنولوژی قابل دسترس و فاکتورهای تولیدات را بدهند.

(ب) ... حد واسط میان تلفیقات، تحصیل و ماشین است که می‌توانند تولید شوند و آن‌هایی که نمی‌توانند

فن‌آوری قابل دسترس و عوامل تولید را ارائه دهند.

(ج) ... و آن‌هایی که نمی‌توان به آن‌ها تکنولوژی موجود و عوامل تولید را داد.

استاد توضیح داد که علت نادرست بودن ترجمه‌ها درک نادرست متن یعنی تحلیل نادرست اجزای جمله و روابط آن‌ها با یکدیگر بوده است. دانشجویان واژه «given» را فعل تلقی کرده‌اند حال این که این واژه از نظر دستوری، علاوه بر نقش وجه وصفی، نقش‌های صفت، اسم و حرف اضافه نیز دارد. پس از این توضیح دانشجویان با کمک استاد به ترجمه جمله پرداختند:

... مرزی است بین ترکیب‌هایی از آموزش و اتومبیل‌هایی که در صورت برخورداری از عوامل تولید و تکنولوژی

موجود می‌توان آن‌ها را تنها تولیدکرد یا نکرد.

(۴). در یکی از کلاس‌های ترجمه، استاد و دانشجویان در مورد ترجمه ذیل که جمله آغازین متنی بود بحث

می‌کردند:

Many countries have a language policy designed to favour or discourage the use of a particular language or set of languages

یکی از دانشجویان این جمله را به این صورت ترجمه کرده بود: در بسیاری از کشورها سیاست زبانی طراحی

شده است تا از زبانی خاص و یا مجموعه‌ای از زبان‌ها استفاده کند یا با آن مخالفت کند.

استاد با ارائه اظهار نظری تفصیلی، نادرستی این جمله را این‌گونه توضیح داد: گاهی نقش جمله‌ای که ترجمه

کرده‌اید با نقش جمله متن اصلی هم‌خوانی ندارد؛ مثلاً نقش این جمله که اولین جمله مقاله تحت عنوان «خط‌مشی

زبانی» بوده است و از دایره المعارف ویکیپدیا استخراج شده، تعریف است ولی نقش جمله شما تعریف نیست و شما فرض را بر این گرفته‌اید که مردم می‌دانند خط مشی زبانی چیست و این که تعریف آن بیشتر در متن آمده است و در این جمله سعی دارید که مطلبی دیگر در مورد خط‌مشی زبانی مطرح کنید. در ادامه بحث استاد متذکر شد که تعبیر «مخالفت با خط‌مشی زبانی با استفاده از زبان خاص» تعبیر دقیقی نیست و شما باید خود را در فضای بافت فارسی قرار دهید و ببینید اگر خود شما می‌خواستید این متن را بنویسید چگونه می‌نوشتید و در فرهنگ لغت معنای دومی که برای واژه «discourage» آورده شده است «prevent» است و معنای اول آن که «مأیوس کردن» است در این متن معادل مناسبی برای این واژه نیست بلکه به نظر می‌رسد که معادل‌های مناسب‌تر فارسی در این رابطه «منع و تشویق و یا ترویج» است. استاد همچنین اضافه کرد که شما می‌توانید این جمله را از صورت اصلی خود خارج ساخته، به شکل دو جمله بنویسید. یکی از دانشجویان با توجه به اظهار نظرهای استاد در ترجمه خود تغییراتی داد:

ترجمه دانشجو: اکثر کشورها سیاست زبانی دارند. هدف این سیاست زبانی ترویج یا منع یک یا چند زبان است. استاد برای تصحیح ترجمه این دانشجو این گونه اظهار نظر کرد: معادل many «اکثر» نیست بلکه «بسیاری» است و به کرات دیده می‌شود که در متون ترجمه شده قیود نادرست ترجمه می‌شوند. در پاسخ به ترجمه دانشجویی که از دو فعل «منع و تشویق» استفاده کرده بود، استاد توضیح داد: ما در فارسی معمولاً نمی‌گوییم «تشویق برای استفاده از...» بلکه می‌گوییم «تشویق به استفاده از...» و در ضمن در زبان فارسی حروف اضافه‌ای که بعد از واژه‌های منع و تشویق قرار می‌گیرد با یکدیگر متفاوت هستند و می‌گوییم «منع از استفاده ...» و «تشویق به استفاده ...» و اگر بخواهیم از این دو فعل استفاده کنیم چاره‌ای جز تغییر صورت نحوی جمله نداریم:

ترجمه پیشنهادی استاد: بسیاری از کشورها خط‌مشی زبانی دارند که هدف آن منع افراد از تکلم به یک یا چند زبان و برعکس تشویق آن‌ها به تکلم به یک یا چند زبان است.

(۵). در همین کلاس جمله دیگری ترجمه شد:

Although nations historically have used language policies most often to promote one official language at the expense of others, many countries now have policies designed to protect and promote regional and ethnic languages whose viability is threatened.

ترجمه دانشجو: اگرچه ملت‌ها در طی تاریخ از سیاست‌های زبانی برای ترویج یک زبان و نهی دیگر زبان‌ها استفاده کرده‌اند، هم اکنون سیاست‌ها در جهت ترویج زبان‌های بومی و محلی است که در خطر هستند.

اظهار نظر تفصیلی که استاد ترجمه داد این بود: در این جمله «although» بیانگر تضاد است ولی با توجه به این که جمله پس از این کلمه بلند است، می‌توان جمله را با معادل فارسی آن که «اگرچه» است آغاز نکرد بلکه تضاد را با آوردن کلمه «اما» بین دو جمله نشان داد. به این ترتیب جمله کوتاه‌تر و شفاف‌تر می‌شود، در نتیجه خوانش آن سهل‌تر است. و ضمناً می‌توانیم «historically» را «در طی تاریخ» یا «از نقطه نظر تاریخی» ترجمه نکنیم، و در عوض مقصود گوینده را که همان «در گذشته» است بیاوریم. استاد ترجمه‌های زیر را پیشنهاد کرد:

ترجمه پیشنهادی اول: در گذشته هدف خط‌مشی زبانی بیشتر معطوف به ترویج زبان رسمی و نفی زبان‌های دیگر بود ولی امروزه این هدف حفظ و ترویج موجودیت زبان بومی در برابر تهدیدهای بیرونی است.

ترجمه پیشنهادی دوم: در گذشته ملت‌ها سیاست زبانی را بیشتر برای ترویج زبان رسمی و نفی زبان‌های دیگر به کار می‌بردند، اما امروزه سیاست زبانی به معنای حفظ و ترویج موجودیت زبان بومی در برابر تهدیدهای بیرونی است.

(۶). در یکی دیگر از کلاس‌ها بحث بر سر ترجمه جمله زیر بود:

It became clear at once that help was needed, because the husband was not pleased.

ترجمه یکی از دانشجویان این بود: ناگهان معلوم شد که نیاز به کمک است، چراکه شوهر راضی و مسرور نشده بود. استاد چنین توضیح داد: شما در این جمله به اشتباه عبارت را به صورت لفظ به لفظ ترجمه کرده‌اید. قسمت اول این جمله به این معناست که «خیلی زود معلوم شد که مشکلی به وجود آمده است» و ترجمه این عبارت به «نیاز به کمک است» با توجه به کل متن بی‌معناست و با خواننده ارتباط برقرار نمی‌کند. علاوه بر این معادل راضی و مسرور برای «pleased» مناسب نیست، چراکه هم ثقیل است و هم به ۲ کلمه ترجمه کرده‌اید.

ترجمه پیشنهادی استاد: اما خیلی زود معلوم شد مشکلی پیش آمده است. شوهر خوشحال نشده بود.

(۷). در یکی از کلاس‌ها بحث درباره ترجمه جمله زیر بود:

If you nevertheless try, it will not be necessary to shoot you.

ترجمه یکی از دانشجویان: لزومی ندارد که به خودم زحمت بدهم و تو را بکشم. اظهار نظر تفصیلی استاد چنین بود: این متن وضوح کامل دارد و نیازی نیست که مترجم اطلاعات اضافی به آن بیافزاید. آن چه اهمیت دارد این است مترجم تا حد ممکن به متن وفادار بماند و ترجمه مثل اصل زبانی ساده، روان و یکدست داشته باشد. مترجم حتی اگر با استفاده از روش ارتباطی نیز ترجمه می‌کند دلیلی ندارد بی‌جهت به خود آزادی بدهد و ترتیب و ساختمان تک تک جملات متن را در هم بریزد و در نتیجه ترجمه که مورد بحث متفاوت از جمله اصلی است نه کوتاه‌تر و نه دقیق‌تر است.

ترجمه پیشنهادی استاد: با این وصف اگر سعی کنی ضرورتی ندارد دست به اسلحه ببرم.

(۸). در یکی از کلاس‌ها دانشجویی جمله زیر را به صورت تحت اللفظی ترجمه کرده بود:

Between midnight and dawn, when sleep will come and old wounds begin to ache, I often have a nightmare vision of a future world... Old wounds begin to ache...

ترجمه دانشجو: زخم‌های قدیمی شروع کردند به درد گرفتن

اظهار نظر تفصیلی استاد: توجه به همایی کلمات یکی از اصول مهم روش ارتباطی است و شما در ترجمه خود

باید دقت کنید تا واژه‌ها را درست و سازگار با ساختار زبان فارسی انتخاب کنید.

ترجمه پیشنهادی استاد: ... زخم‌های کهنه دهان باز می‌کنند...

۵. نتایج تحقیق

در این مقاله دو نوع اظهار نظر ساده و تفصیلی را که بیشتر در کلاس‌های آموزش ترجمه دیده می‌شود تعریف کردیم. سپس با توجه به خطاهای عمده دانشجویان در ۱۰ کلاسی که بازدید کردیم الگویی برای ارزیابی کیفیت

ترجمه ارائه دادیم. اعتقاد ما بر این است که استادان ترجمه می‌توانند از این الگو استفاده کنند تا خطاهای ترجمه‌ای فراگیران را بشناسند و بتوانند نسبت به ترجمه دانشجویان اظهار نظرهای تفصیلی کنند. در پایان نیز چند نمونه از اظهار نظرهای تفصیلی را برای توضیح بیشتر آوردیم. مشاهدات ما از کلاس‌های ترجمه نشان داد که در مواردی که استادان اظهار نظرهای تفصیلی می‌کنند بحث و تبادل نظر بین دانشجویان بسیار بیشتر است و دانشجویان از این کلاس‌ها رضایت بیشتری دارند.

البته باید اذعان کرد که اظهار نظرهای تفصیلی در کلاس‌های ترجمه محدودیت‌هایی هم به دنبال دارد. در این رابطه سئوالی مهمی مطرح می‌گردد: آیا با توجه به تعداد جلسات محدود کلاس‌ها در هر ترم و تعداد زیاد دانشجویان در هر کلاس، امکان اظهار نظر تفصیلی در مورد تک تک ترجمه‌های دانشجویان وجود دارد؟ آیا تمام استادان که به تدریس ترجمه می‌پردازند به ترجمه تسلط کافی دارند تا بتوانند خطاها را در ترجمه تشخیص دهند و اظهار نظر تفصیلی کنند؟ همچنین در الگویی که ارائه شد محدودیت‌هایی وجود دارد و مهم‌ترین آن این است که تمام خطاها در این الگو جای نگرفته‌اند. در پایان امیدواریم که این پژوهش مختصر افق جدیدی در آموزش ترجمه برای سایر پژوهشگران و استادان ترجمه باز کند.

کتابنامه

- خزاعی فرید، علی (۱۳۸۸). «ارزیابی کیفیت ترجمه». فصلنامه مترجم ۴۴، ۶-۱۷.
- هاشمی، محمدرضا و الناز پاکار (۱۳۸۹). «واکاوی اظهار نظرها و اظهار نظرهای اساتید ترجمه بر ترجمه دانشجویان». فصلنامه مطالعات ترجمه ۳۰، ۳۵-۵۰.
- Al-Qinai, Jamal. (2000). Translation Quality Assessment: Strategies, Parameters and Procedures. *Meta* 45(3), 497-519.
- Bastin, G. L. (2000). Evaluating beginners' re-expression and creativity: A positive approach. *The Translator* 6(2), 231-245.
- Brown, H. (1994). *Principles of Language Learning and Teaching*. Englewood Cliffs: Prentice Hall Regents.
- Butler, D. and P. Winne (1995). Feedback and Self-Regulated Learning: a theoretical synthesis. *Review of Educational Research*, 65(3), 228-245.
- Catford, J. (1965). *A Linguistic Theory of Translation*. London: Oxford University Press.
- Cook, V. (2008). *Second Language Learning and Language Teaching*. London: Malta.
- Darwish, A (1995). A Model for Designing Decision Based Translation Tests. Online publication. <http://www.at-turjuman.com/>
- Ghonsooly, B (2010), *Assessing translation*. Unpublished manuscript, Ferdowsi University press.
- Gouadec, D. (1981). Parameters de l'évaluation de traductions. *Meta* 26 (2), 99-116.
- House, J. (1997). *Translation Quality Assessment: A model revisited*. Tübingen: Gunter Nar.
- (2001). Translation Quality Assessment: linguistic description versus social evaluation. *Meta* 46(2), 243-257.
- Koller, W. (1979). *Einführung in die Übersetzungswissenschaft*. Heidelberg: Quelle and Meyer.
- Lyster, R, Ranta, L. (1997). Corrective feedback and learner uptake: Negotiation of forms in communicative classroom. *Studies in Second Language Acquisition* 19, 37-66.
- Nida, E. (1964). *Toward a Science of Translation*. Leiden: E. J. Brill.

- Pym, Anthony. (1992). Translation Error Analysis and the Interface with Language Teaching. Teaching of translation. ed. Cay Dollerup & Anne Loddegaard. 279-288. Amsterdam: John Benjamin.
- Reiss, K. (1971): *Möglichkeiten und Grenzen der Übersetzungskritik*. München: Hueber.
- Rodrigues, S. V. (1996). Translation quality: A Housian analysis. *Meta* 41(2), 223- 227.
- Seliger, H. (1983). *Classroom Oriented Research in Second Language Acquisition*. Rowley, MA: Newbury House Publishers, Inc.
- Schiaffino, R., & Zearo, F. (2005). Translation quality measurement in practice. [Presentation]. 46th Annual Conference of the American Translators Association, Seattle.
- Thomas, J. (1991). You're the greatest! A few well-chosen words can work wonders in positive behavior reinforcement. *Principal* 71, 32-33.
- Vermeer, H. J. (1978). Skopos and commission in translational action. In L. Venuti (2000). *The Translation Studies Reader*. 221-232. London and New York: Routledge.
- Wilss, W. (1974). Problem und Perspektiven der Übersetzungskritik. *IRAL*, S. 23-41.

Archive of SID